

تجاوز سازمان یافته به مقررات شهرسازی^۱

بخش دوم

تخلّف از اجرای قانون شوراها و دستکاری آن

<https://www.khabaronline.ir/news/2291996>

در بخش یکم این مقاله زیر عنوان «قانون ناکارآمد انتخابات شوراها» دیدیم که این قانون در برگیرنده استانداردهای جهانی انتخابات در زمینه بخش بندی شهرهای بزرگ، تأسیس دفتر ثبت نام برای نامزدها در هر بخش انتخاباتی و تعیین سقف هزینه های انتخاباتی نامزدها نیست. از این رو اصل ۱۰۰ قانون اساسی را که خواستار برگزاری انتخابات و تشکیل شوراهای برگزیده شهروندان و اداره قانونمند شهرها از سوی شوراها و شهرداران شده را ناکام ساخته است. این قانون در سال ۱۳۷۵ در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و به احتمال فراوان با ابتکار حسن حبیبی معاون اول او تدوین و در مجلسی که نمایندگان حقیقی ملت ایران به آن وارد نشده بودند به تصویب رسید و زمینه ساز تجاوز شهرداران برگزیده این شوراها به مقررات ارزشمند شهرسازی و حقوق مالکانه شهروندان و نظم عمومی شهرهای کشور و پیامدهای شوم آن گردیده است. افزون بر آن در اجرای این قانون در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد تخلّف آشکاری از مواد ۷۲ و آن انجام شده و دستکاری خطرآفرینی در آن انجام شده است که به آن ها می پردازم:

یکم - تخلّف از مواد ۷۲

ماده ۲ قانون شوراهای سال ۱۳۷۵، تشکیل یک شورا در هر شهر را الزامی کرده است. در ماده ۷ اصلاح شده سال ۱۳۹۵ آن نیز برای هر شهر برپایه جمعیت آن، شمار اعضای شورای آن شهر را پیش بینی کرده است. در بند «ز» ماده ۷ نیز شمار اعضای شورای شهر تهران را در این اصلاحیه، ۲۱ عضو اصلی و ۱۱ عضو علی البدل پیش بینی کرده است. با این حال در دور نخست ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، از برگزاری انتخابات های جداگانه در سه شهر تهران، ری و شمیران که بر پایه قانون تقسیمات کشوری دارای مرزهای روشن از یکدیگر هستند و در قلمرو آن ها فرمانداران جداگانه و مستقل منصوب شده اند، خودداری و در این سه شهر یک انتخابات برای یک شورا برگزار کردند که تخلّف آشکار از مواد ۷۲ این قانون بود. همچنین تخلّف از اصل ۱۰۰ قانون

۱. بخش یکم این مقاله در سایت «خبرآنلاین» روز ۲ تیر ۱۴۰۵ بازتاب یافت.

اساسی بود که هر شهر را یک حوزه مستقل برای انتخابات شورا در آن دانسته است. این تخلف وزارت کشور و رییس جمهور در جلوگیری از اجرای مواد ۷۲ و ۷۳ قانون شوراها و برگزاری انتخابات های جداگانه در سه شهر تهران، ری و شمیران برپایه ماده ۱۲۹ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ جرم بوده و کیفر انفصال از خدمت دولتی برای آن پیش بینی شده بوده است. از همین رو در برگزاری انتخابات شوراها در سال ۱۳۷۷ در ریاست جمهوری سید محمد خاتمی به این شیوه برگزاری انتخابات و محروم کردن شهروندان از داشتن شورای مستقل در شهرستان های تهران، ری و شمیران اعتراض کردم. اداره قوانین مجلس نیز در نامه شماره ۲۹۳ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۲، غیرقانونی بودن برگزاری یک انتخابات و تشکیل یک شورا برای این سه شهر را تأیید کرد.

دوم - دستکاری در قانون شوراها

با این حال کسانی که به نام نماینده وارد مجلس شده بودند به جای پافشاری در برگزاری انتخابات های جداگانه شوراها در تهران، ری و شمیران در چارچوب مواد ۷۲ و ۷۳ قانون مزبور، به کمک سید محمد خاتمی رییس جمهور وقت شتافتند و با تقدیم طرحی در سال ۱۳۸۱ به دنبال تصویب قانونی بودند که در این سه شهر یک انتخابات شورای شهر برگزار شود. هر چند این طرح که آشکارا ناسازگار با اصل ۱۰۰ قانون اساسی بود، از سوی هیأت ریسه وقت مجلس در دستور کار مجلس گزارده شد و در مجلسی که نمایندگان حقیقی ملت ایران به آن راه نمی یابند تصویب گردید ولی شورای نگهبان در اظهار نظر خود به شماره ۸۱/۲۰/۱۸۰ به تاریخ ۵ آبان ۱۳۸۱ این مصوبه مجلس را ناسازگار با اصل ۱۰۰ قانون اساسی اعلام و آن را رد کرد. با این حال سید محمد خاتمی و وزیر کشور او باز هم به تجاوز به اصل ۱۰۰ قانون اساسی و مواد ۷۲ و ۷۳ قانون شوراها ادامه دادند و از برگزاری انتخابات جداگانه در این سه شهر خودداری کردند و شورای مستقل در این سه شهر که فرمانداری های جداگانه دارند تشکیل نگردید. مجلس هایی هم که انتخابات آزاد و عادلانه برای آنها برگزار نشده است، گامی برای اجرای اصل ۱۰۰ قانون اساسی و برخورد با قانون شکنی سید محمد خاتمی و رییس جمهور پس از او محمود احمدی نژاد برنداشتند و این سه شهر کشور همچنان از برگزاری انتخابات شورا و برخورداری از شورای شهر جداگانه و مستقل محروم ماندند.

سوم - طرح دو فوریتی سال ۱۳۹۱

با آن که شورای نگهبان در اظهار نظر روشن خود در سال ۱۳۸۱، مصوبه مجلس در برگزاری یک انتخابات شورا در سه شهرستان تهران، ری و شمیران را ناسازگار با اصل ۱۰۰ قانون اساسی اعلام کرد، ولی با شگفتی، ۱۵۱ تن از کسانی که به نام نماینده وارد مجلس شده بودند برای پیشگیری از برگزاری انتخابات های جداگانه شورای شهر در تهران، ری و شمیران با امضای یک طرح دو فوریتی روز ۲۰ دی ۱۳۹۱ خواستار افزودن دو تبصره به ماده ۱۱ قانون تقسیمات کشوری سال

۱۳۶۲ شدند. در اعتراض به این طرح روز ۷ بهمن ۱۳۹۱، مقاله‌ای در ۶ صفحه منتشر کردم و در بخشی از آن چنین نوشتم:

«این دو تبصره هیچ ارتباطی به ماده ۱۱ قانون تقسیمات کشوری ندارند. تصویب‌نامه هیأت وزیران مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۴، محدوده شهرستان‌های ری و شمیران را در اجرای ماده ۱۲ قانون تقسیمات کشوری تعیین کرده‌اند. بنابراین الحاق دو تبصره به ماده ۱۱ قانون مزبور اگر با انگیزه محروم کردن ساکنان این دو شهرستان از برخورداری از انتخابات آزاد نباشد، دلیل روشن ناآگاهی نویسندگان این طرح از مفاد ماده ۱۱ قانون تقسیمات کشوری است.»

و در بخش دیگری از آن افزودم:

«امضاکنندگان این طرح در حالی کمر همّت به محروم کردن ساکنان این دو شهرستان از حقوقی که قانون اساسی برای آنان به رسمیت شناخته بسته‌اند که شهردار منتخب این شورا با تجاوز به حقوق مالکانه شهروندان در سه شهرستان تهران، ری و شمیران و تراکم‌فروشی و تجاوز به مقررات شهرسازی که مهم‌ترین عنصر زیبایی و نظم شهری است و گرفتن وجوه غیرقانونی از سودجویان که ارتشای سازمان‌یافته است ساکنان این سه شهرستان را گرفتار آلودگی شدید هوا، ترافیک‌های فرساینده تن و روان مردم، گسترش بزهکاری، بیماری‌ها و کشتار دسته‌جمعی مردم کرده است...»^۱

هرچند این طرح آشفته ناسازگاری آشکار با اصل ۱۰۰ قانون اساسی و قانون تقسیمات کشوری داشت ولی با تخلف هیأت‌ریسه در دستور کار مجلس گزارده شد و روز ۲۷ فروردین ۱۳۹۲ به تصویب رسید و یک روز بعد هم شورای نگهبان آن را تأیید کرد! در این مصوبه چنین آمده است:

«در محدوده شهری تهران، ری و تجریش فقط یک شورای اسلامی شهر تشکیل می‌شود. این در حالی است که تجریش برپایه تصویب‌نامه‌های هیأت وزیران به تاریخ‌های ۱۸ مرداد ۱۳۶۶ و ۱۴ مهر ۱۳۶۹ در اجرای ماده ۱۲ قانون تقسیمات کشوری استان تهران، بخشی از شهرستان شمیران است و نمی‌توان بخشی از یک شهرستان را به قلمرو دو شهر دیگر افزود و برای آن‌ها یک انتخابات شورا برگزار کرد. این تبصره فریبکارانه که زمینه‌ساز محروم کردن شهروندان در دو شهرستان ری و شمیران از حق برخورداری از انتخابات شوراهای مستقل خود بوده و هست، تجاوز آشکار به حقوق شهروندان در این دو شهرستان و اصل ۱۰۰ قانون اساسی است و کمترین ارزش قانونی ندارد.»

۱. و در بخشی از زیرنویس آن چنین نوشتم:

«آمار وزارت بهداشت نشان می‌دهد سالانه بین ۴ هزار تا ۵ هزار تن در تهران در پی آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند...». روزنامه اطلاعات، ۲۹ آذر ۱۳۹۱.

امضای این طرح دو فوریتی از سوی کسانی که نام نماینده ملت ایران را بر خود نهاده و وارد این مجلس شده بودند و تصویب آن از شگفتی‌های قانونگزاری در این مجلس‌هاست که انتخابات آن‌ها با ساختار قانون سال ۱۲۹۰ خورشیدی برگزار می‌شود و نمایندگان حقیقی و مدافع قانون اساسی به آن‌ها راه نمی‌یابند.

چهارم- تخلف از ماده ۷ اصلاح شده در سال ۱۳۹۵

با افزودن تبصره‌ای به ماده ۱۲ قانون شوراهای برای پیشگیری از برگزاری انتخابات شوراهای ری و شمیران، تجاوز دیگری را نیز به حقوق شهروندان در این دو شهرستان انجام داده‌اند. اگر جمعیت هر یک از دو شهرستان شمیران و ری را ۵۰۰ هزار تا یک میلیون به شمار آوریم، بر پایه ماده ۷ اصلاحی سال ۱۳۹۵ قانون شوراهای برای هر یک از این دو شهرستان باید ۱۱ عضو اصلی و ۷ عضو علی‌البدل به شمار اعضای اصلی و علی‌البدل شهر تهران که بر پایه همین ماده، ۲۱ عضو اصلی و ۱۱ عضو علی‌البدل پیش‌بینی شده است افزوده شوند و در هر انتخاباتی رأی‌دهندگان باید به ۴۳ عضو اصلی و ۲۵ عضو علی‌البدل در حوزه درهم آمیخته و غیرقانونی این سه شهرستان رأی دهند. از آن‌جا که نمی‌توان از رأی‌دهندگان خواست به این شمار گسترده نامزدهای اصلی و علی‌البدل برای شورای این سه شهرستان رأی دهند، در عمل با تخلف از قانون انتخابات شوراهای از رأی‌دهندگان خواسته شده تنها به ۲۱ عضو اصلی و ۱۱ عضو علی‌البدل شهرستان تهران رأی دهند که تجاوز آشکار دیگری از ماده ۷ قانون شوراهای و نشان‌دهنده این است که شهروندان دو شهرستان ری و شمیران از حق رأی دادن به نامزدهای مورد نظر خود محروم هستند.

پنجم- باطل بودن برگزاری یک انتخابات شورا در سه شهرستان

ماده ۳۲ قانون شوراهای سال ۱۳۷۵، هیأت اجرایی برگزاری انتخابات شورای هر شهرستان را به ریاست فرماندار و معتمدان همان شهرستان پیش‌بینی کرده است. ماده ۳۲ اصلاحی سال ۱۳۸۲ قانون شوراهای نیز همین حکم قانونی را تکرار کرده ولی شمار معتمدان در محدوده هر شهرستان را ۸ تن در نظر گرفته است که بر پایه تبصره همین ماده باید از میان ۳۰ تن معتمدان گروه‌های گوناگون در همان شهرستان انتخاب شوند. بنابراین فرماندار شهرستان تهران و معتمدان انتخاب شده از سوی او، حق دخالت در برگزاری انتخابات در شورای دو شهرستان دیگر ری و شمیران را که دارای فرمانداری‌های مستقل و جداگانه هستند ندارند و برگزاری انتخابات‌ها در این سه شهرستان از سال ۱۳۹۲ تاکنون باطل و بی‌اعتبار بوده‌اند. شورای شهر در این سه شهرستان و شهرداری‌ها که این شوراهای به شهروندان تحمیل کرده‌اند نیز غیرقانونی بوده و هستند.

ششم- پیامدهای انتخابات‌های نمایشی در این سه شهرستان

از آن‌جا که ساختار قانون انتخابات شوراهای سال ۱۳۷۵ و دستکاری‌های آن چنان که دیدیم ناسازگار با معیارهای پذیرفته شده جهانی در انتخابات شوراهای شهرهاست و نمایندگان حقیقی شهروندان با شمار کافی نمی‌توانند وارد شوراهای بزرگ کشور شوند، در همه شهرهای

کشور تجاوز گسترده به مقررات شهرسازی انجام شده و ادامه دارند. پیامدهای اجرای قانون ناکارآمد شوراهای سال ۱۳۷۵ و خودداری از برگزاری انتخابات‌های جداگانه شوراهای تهران، ری و شمیران از سوی رییس‌ان جمهوری و وزیران کشور پس از تصویب این قانون و تبصره افزوده شده به ماده ۱۲ این قانون در سال ۱۳۹۲ که برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه شوراهای تهران، ری و شمیران را دور از دسترس شهروندان گزارده است فاجعه‌بار بوده که در رسانه‌ها بازتاب یافته‌اند و به پاره‌ای از آن‌ها می‌پردازم:

الف - نابود کردن گسترده باغ‌ها

آقای دکتر حسینی، استاد بازنشسته دانشگاه در مقاله کوتاهی با عنوان «از باغ‌های سرسبز وکیل‌آباد دیروز تا جنگل آهن و سیمان ولنجک امروز» در روزنامه اطلاعات روز ۱۸ آذر ۱۳۹۳ که در آن جنگلی از برج‌ها در شمیران به تصویر کشیده شده‌اند در زمینه ویران کردن باغ‌های تاریخی در شهرستان شمیران چنین نوشته‌اند:

«دهکده (وکیل‌آباد) سابق که اکنون «ولنجک» نامیده می‌شود در ۴۰ سال پیش شامل باغ‌های میوه و مزارع بود و یکی از نقاط سرسبز و خرم شمال تهران به شمار می‌رفت که گویا ریه تهران محسوب می‌شد. بعد از پیروزی انقلاب، باغ‌های ولنجک به فروش رسید، زمین‌هایی مصادره شد، درختان به تدریج قطع و به جای آن‌ها، «برج‌ها» به میدان آمدند و در نتیجه اکنون ماییم و جنگلی بی‌قواره و ساختمان‌هایی از ۵ طبقه تا ۱۴ طبقه و آن هم در منطقه‌ای که کارشناسان می‌گویند روی گسل اصلی زلزله تهران واقع شده است.

درختان ۱۰۰ و ۲۰۰ ساله منطقه از محمودیه خیابان مقدس اردبیلی از ولنجک تا زعفرانیه با لطایف‌الحیل، خشک و بریده شدند تا به جای آن‌ها انبوه‌سازی انجام شود و با فروش تراکم، هم‌اکنون کوچه‌های ۸ یا ۶ متری، شاهد ساختمان‌های ۱۴ طبقه است که هیچ کدام عقب‌نشینی‌های لازم و پارکینگ‌های متعدد مورد نیاز طبقات زیاد را ندارند. شهرداری منطقه هم برای جلوگیری از تکثیر موش‌ها، همه جوی‌های آب را بتون‌ریزی و سنگ‌بندی و سیمان‌کوبی کرده است و در نتیجه درختان تنومند ۱۰۰ ساله، محصور شده‌اند و آب‌وهوا نخورده‌اند و از ریشه خشک شده‌اند به نحوی که در محمودیه، شاهد بریدن ۱۱ اصله درختان کهن سال هستیم و بقیه در مراحل احتضارند...».

آقای پیروز حناچی، دبیر وقت «شورای عالی شهرسازی و معماری» در مقاله دیگری زیر عنوان «نابودی چهار هزار هکتار باغات تهران در ۱۰ سال گذشته» که در روزنامه اطلاعات ۲۱ تیر ۱۳۹۴ به چاپ رسید، چنین نوشته‌اند:

«طبق بررسی‌های شورای عالی معماری و شهرسازی و بنا به اظهارات رییس کمیسیون محیط زیست شورای شهر تهران، تخمین زده می‌شود که چیزی بین ۴ تا ۶ هزار هکتار

باغات از بین رفته و بررسی‌ها حاکی است که تخریب حدود هزار هکتار باغات در تهران حتمی است. به گفته‌ی وی، این که کیفیت هوای کلان‌شهر تهران کاهش پیدا می‌کند بی‌ارتباط با تخریب‌ها و ساختمان‌سازی‌های اخیر نیست. دبیر شورای عالی معماری و شهرسازی با ارائه نمونه‌ای از باغات در کلان‌شهر تهران که طی دهه‌ی اخیر به دلیل سیاست‌های غلط، چیزی از آن‌ها باقی نمانده است افزود: در ابتدای دهه‌ای که پشت‌سر گذاشتیم بسیاری از باغات در منطقه اُزگل تهران بودند که نقش به‌سزایی در کیفیت هوای این منطقه داشتند. از آن باغات در حال حاضر تقریباً چیزی باقی نمانده است و همه تبدیل به ساختمان‌های بلندمرتبه شده‌اند و سرعت تخریب‌ها از دو دهه پیش آغاز شد، اما در دهه‌ی اخیر رشد چشم‌گیری یافته‌اند».

ب- بحران آب و فرونشست زمین

به گزارش «خبرآنلاین» روز ۲۳ شهریور ۱۴۰۳ مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب تهران گفت: «با رشد ۳۱ درصدی مشتریان این شرکت در یک دهه‌ی اخیر، هم‌اکنون ۳ درصد مجموع آب شرب کشور در استان تهران مصرف می‌شود و این استان به دلیل محدودیت‌های منابع آبی، امکان بارگزاری جمعیت بیشتر را ندارد».

یک فعال محیط زیست نیز در گفت‌وگو با «خبرآنلاین» روز یک مهر ۱۴۰۳ گفت: «بخشی از آبخوان‌های ما تا ۱۵ سال دیگر کاملاً خشک خواهند شد و ما مجبوریم به مهاجرتی بزرگ از ایران مرکزی که فاقد آب خواهد بود تن بدهیم. تبعات این اتفاق حالا هم به صورت «فرونشست زمین» قابل مشاهده است».

روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز روز ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ درباره‌ی برداشت‌ها از آب‌های زیرزمینی برای جبران کمبود آب در تهران، زیر عنوان «تاخت و تاز فرونشست در پایتخت» چنین نوشت: «شتاب یک‌ونیم برابری فرونشست در تهران «جایگاه بحرانی» این کلان‌شهر را به آستانه‌ی دومین استان دارای بدترین وضعیت برای سکونت به لحاظ شکنندگی سطح زمین رسانده است»^۱.

از آن‌جا که شوراهای نیرومند و مدافع حقوق شهروندان در شهرهای تهران، ری و شمیران در این شهرها حضور ندارند و شهرداران با تراکم‌فروشی و تجاوز به مقررات شهرسازی با ساخت‌وسازهای گسترده افقی و عمودی غیرقانونی در این شهرها و بیرون از محدوده قانونی آن‌ها، جمعیت این شهرها را به گونه‌ی نجومی افزایش داده‌اند، مدیران سازمان آب تهران ناگزیر شده‌اند منابع آبی

۱. شب‌هنگام جمعه ۳۰ مرداد ۱۴۰۵، آقای پزشک‌یان در نشستی با حضور گروهی از بانوان حضور یافت و پرسش‌ها و پیشنهاد‌های آنان را شنید. در این نشست یکی از بانوان شجاع و اندیشمند درباره‌ی بیرون‌کشیدن آب‌های زیرزمینی برای آب شرب در تهران و خطر فرونشست زمین هشدار داد. ولی آقای پزشک‌یان به این هشدار نگران‌کننده هیچ پاسخی نداد و گفته‌های همیشگی خود را تکرار کرد.

تأمین کننده آب کشاورزی دشت‌های شهریار، ورامین و دیگر بخش‌ها را به تهران منتقل کنند و سرانجام به دنبال انتقال آب سد طالقان رفته‌اند. به نوشته «خبرآنلاین» روز ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴: «اعضای کمیته مردمی آب استان قزوین با هشدار نسبت به روند ناعادلانه تخصیص منابع آبی اعلام کردند که ادامه انتقال آب از سد طالقان به تهران، پیامدهایی چون خشک شدن دشت قزوین، نابودی کشاورزی، فرونشست زمین و تهدید امنیت غذایی کشور را در پی خواهد داشت...».

در همین راستا روزنامه «آرمان ملی» روز ۹ مرداد ۱۴۰۴ زیر عنوان «تراکم فروشی بلای جان منابع آبی تهران» چنین نوشت:

«ساخت‌وسازهای بی‌رویه و تراکم فروشی، تهران را به شهری متورم، سنگین و پرجمعیت بدل کرده و فشار بی‌سابقه‌ای به منابع آبی پایتخت وارد کرده است.»

پ- بحران آلودگی هوا

سایت تحلیلی خبری «عصر ایران» روز ۱۹ آذر ۱۴۰۳ زیر عنوان «آمار رو به رشد مرگ بر اثر آلودگی هوا در ایران» چنین نوشت:

«آمار آلودگی هوا در اصفهان با میانگین غلظت ۳۵ بوده و ۲ هزار و ۲۹ مرگ داشته و ۲۵۶۴ تن در معرض این آلودگی هوا بوده‌اند. هزینه بابت آلودگی هوا در اصفهان ۷۹۶ میلیون دلار بوده است. در تهران حدود ۷ هزار مرگ در پی آلودگی هوا به طور سالانه گزارش شده است. ۱۴ درصد مرگ‌هایی که به علت بیماری سکته قلبی است مربوط به آلودگی هواست. ۵۹۷ هزار میلیارد تومان یعنی ۱۲ میلیارد دلار به طور سالانه شامل هزینه‌های کلی در مبحث آلودگی هوا در تمامی کشور است.»

تجاوز گسترده و سازمان‌یافته به مقررات شهرسازی که دستور بزرگ کشور ما بوده و هستند، زندگی انسانی را دور از دسترس شهروندان گزاردده‌اند. ترافیک‌های فاجعه‌آمیز در خیابان‌ها در شهرهای، تهران، ری و شمیران و دیگر شهرهای کشور که اوقات گران‌بهای شهروندان را به باد می‌دهند و تن و روان آنان را آزرده می‌سازند، پیامد ساخت‌وسازهای افسارگسیخته و افزایش خطر آفرین جمعیت شهرهای کشور ما هستند. جرم و جنایت در شهرهای کشور ما به گونه بی‌سابقه‌ای گسترش یافته و امنیت و آسایش شهروندان را به چالش کشیده، داسراها، نیروی انتظامی و دادگاه‌ها را درگیر انبوهی از پرونده‌ها ساخته و زندان‌ها را گرفتار چندین برابر ظرفیت زندانیان کرده‌اند.

ولی صداوسیما که دریچه‌های آن به روی معترضان به قانون‌شکنی‌های دولت‌ها، مجلس‌ها و شهرداران بسته است، برج‌ها و ساخت‌وسازهای ویرانگری را که با تجاوز به مقررات ارزشمند شهرسازی و قانون‌شکنی‌ها از سوی شهرداران سر برآورده و چهره شهرهای تاریخی تهران، ری و شمیران را به نماد توحش تبدیل کرده‌اند و یا اسکلت‌های برج‌ها و دکل‌های گردان را روی

پرده تلویزیون به نمایش می‌گزارد تا به قانون‌شکنی‌های مجلس‌ها و شهرداران مشروعیت بخشد که توهین به هوش بینندگان است. این در حالی است که شهرها در کشورهای اروپایی که با رعایت کامل مقررات شهرسازی ساخته شده‌اند، نماد نظم، شکوه، زیبایی و تمدن این کشورها هستند.

هفتم- تصویب طرح فریبکارانه دیگر

گروهی از نمایندگان در سال ۱۴۰۳ طرحی را تقدیم کردند تا برای کاستن از شمار نامزدها در انتخابات حوزه بی در و پیکر تهران، ری و شمیران که بالاتر از ۴ هزار تن ثبت‌نام می‌کنند به دنبال آن بودند که از نامزدها خواسته شود در آزمونی شرکت کنند تا برگزارکنندگان انتخابات بتوانند گروه بزرگی از آنان را رد صلاحیت کنند. من در مقاله‌ای با این استدلال که برگزاری آزمون برای نامزدهای انتخابات در هیچ کشوری سابقه ندارد و تکرار «نظارت استصوابی» شورای نگهبان، در انتخابات شورای شهرهای تهران، ری و شمیران است به این طرح اعتراض کردم و این طرح از دستور کار مجلس بیرون گزارده شد. از آن‌جا که ۴ هزار نامزد در این انتخابات برای انتخاب یک شورا در این سه شهر ثبت‌نام می‌کنند و نمی‌توانند در دور اول برگزاری انتخابات، اکثریت مطلق آرا را که یک قاعده پذیرفته شده است به دست آورند، گروهی در این مجلس که نام نماینده بر خود نهاده‌اند به جای آن که برگزاری انتخابات در تهران، ری و شمیران را در اجرای اصل ۱۰۰ قانون اساسی از یکدیگر جدا سازند و در اجرای اصل ۶۴ قانون اساسی، شهرهای بزرگ کشور را مانند قوانین انتخاباتی در کشورهای پیشرفته بخش‌بندی کنند، به یک فرمول نمایشی دیگر دست زده و انتخابات را در حوزه تهران، ری و شمیران «تناسبی» کرده‌اند. به این معنی که هریک از احزاب، فهرست نام‌های نامزدهای موردنظر خود را به رأی‌دهندگان عرضه کنند و شهروندان به هریک از این فهرست‌ها رأی بدهند که این نیز فریبکاری دیگری از سوی نمایندگان این مجلس‌هاست. در اجرای همین تصمیم مجلس در روند برگزاری انتخابات شوراها در نیمه دوم سال ۱۴۰۴ و فرورین ماه ۱۴۰۵ از سوی وزارت کشور و هیأت نظارت مجلس که دائماً روی پرده سیما ظاهر می‌شوند آن هم در فضای سیاسی بسته در صداوسیما که معترضان حق کمترین اظهارنظری درباره این انتخابات غیرقانونی را ندارند، روز ۲۶ فروردین ۱۴۰۵ رئیس ستاد برگزاری انتخابات نمایشی شوراها در وزارت کشور در شبکه ۶ سیمای جمهوری اسلامی گفت:

«۱۱۴ حزب در کنار نامزدهایی که به گونه فردی ثبت‌نام کرده‌اند می‌توانند لیست نامزدهای مورد نظر خود را به رأی‌دهندگان ارائه کنند».

روشن است که فهرست نامزدهای معرفی شده از سوی چنین احزاب بی‌ریشه و ناشناخته‌ای برای شهروندان، جایگاهی در به دست آوردن اعتماد رأی‌دهندگان را ندارند. اگر در قانون انتخابات

شوراها در فرانسه، شهری چون پاریس با ۲ میلیون و ۱۵۰ هزار جمعیت، به ۲۰ بخش انتخاباتی تقسیم شده و در هر بخش از شهروندان ساکن آن خواسته می‌شود به لیست‌های معرفی شده از سوی احزاب رأی دهند، از این روست که احزاب شناخته شده و نیرومند که ۳ یا ۴ حزب اصلی بیشتر نیستند و نمایندگان در مجلس‌های این کشور دارند، رأی دهندگان با گرایش‌های سیاسی و اجتماعی خود می‌توانند با شناخت کامل به نامزدهای معرفی شده از سوی هریک از این احزاب آن هم در این حوزه‌های کوچک و با جمعیت کم رأی دهند. ولی در ایران از آن‌جا که انتخابات‌های آزاد و در چارچوب استانداردهای جهانی برای مجلس شورای اسلامی برگزار نمی‌شوند، احزاب واقعی با گرایش‌های سیاسی روشن پدیدار نشده‌اند و درخواست وزارت کشور به این که شهروندان به فهرست‌های معرفی شده از سوی این ۱۱۴ حزب ناشناخته رأی دهند و شیوه ادعایی «تناسبی» شدن انتخابات شورای شهرهای تهران، ری و شمیران، یک فرمول فریبکارانه بیش نخواهد بود. افزون بر آن چنان که در بخش یکم این مقاله دیدیم رأی دهندگان در ۲۰ بخش انتخاباتی شهر پاریس با ۲ میلیون و ۱۵۰ هزار جمعیت، ۲۴۰ عضو شورای این بخش‌ها را بر می‌گزینند و فراتر از آن به ۱۶۳ عضو شورای شهر پاریس نیز از این ۲۰ بخش انتخاباتی جداگانه رأی می‌دهند که اینان نیز شهردار پاریس را بر می‌گزینند. آیا نمایندگان مجلسی که انتخابات شوراها در سه شهرستان تهران، ری و شمیران را با تخلف از اصل ۱۰۰ قانون اساسی در هم آمیخته و برای ۱۲ میلیون جمعیت آن‌ها از شهروندان می‌خواهند به ۲۱ عضو اصلی و ۱۱ عضو علی‌البدل آن هم به گونه «تناسبی» رأی دهند می‌توانند ادعا کنند انتخابات شوراها را در چارچوب اصل ۱۰۰ قانون اساسی برگزار می‌کنند؟ تنها با بستن دریچه‌های صداوسیما با تخلف از اصل ۱۷۵ قانون اساسی و تجاوز به حق اعتراض شهروندان است که چنین نمایشنامه‌ای به نام انتخابات در کشور ما از سوی این مجلس‌ها و دولت‌ها برگزار می‌شود.

– نتیجه‌گیری

من در نامه‌ای به رییس مجلس شورای ملی در ۱۱ صفحه در دی ماه ۱۳۷۴ که میان نمایندگان هم توزیع شد با تشریح استانداردهای پذیرفته شده در قوانین انتخاباتی ایالات متحد آمریکا و فرانسه و مبانی حقوقی و مقررات بخش‌بندی شهرهایی که بیش از یک نماینده در پارلمان دارند، خواستار اصلاح قانون انتخابات مجلس برپایه قوانین انتخاباتی پیشرفته در این کشورها شدم و در بخشی از آن در زمینه بخش‌بندی شهرهای بزرگ در ایران چنین نوشتم:

تقسیم بندی تهران و حومه به ۳۰ بخش انتخاباتی به پیروی از نظام انتخاباتی کشور های پیشرفته بر طبق اصل ۶۴ قانون اساسی می‌بایست با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و مانند آن‌ها باشد و به هر حال عدالت در این بخش‌بندی باید رعایت شود تا امکان هر گونه سوء استفاده از آن غیر ممکن گردیده و یا به گونه مؤثری کاهش یابد. با

انجام چنین بخش‌بندی در تهران، به رأی، به گرایش‌ها و عقاید شهروندان احترام گزارده می‌شود و ضمن افزایش چشم‌گیر شمار رأی‌دهندگان، نتایج انتخابات به گونه آشکار چیز دیگری غیر از وضع کنونی خواهد بود». و در بخش دیگری چنین افزودم:

«مجلس شورای اسلامی و وزارت کشور وظیفه داشته‌اند در اجرای اصل ۶۴ قانون اساسی، محدوده حوزه تهران و حومه را به بخش‌های متعدد تقسیم کرده و امکانات برگزاری یک انتخابات واقعی را در این شهر فراهم آورند...».

متن کامل این نامه در ماهنامه «گزارش» در فروردین ماه ۱۳۷۵ به چاپ رسید. ولی رئیس‌جمهور وقت و معاون اول او با آگاهی کامل از مندرجات این نامه، لایحه قانون انتخابات، تشکیلات و وظایف شوراهای را در تیرماه ۱۳۷۵ به تصویب رساندند که از استانداردهای جهانی انتخابات آزاد و عادلانه برای برگزاری انتخابات شوراهای کاملاً تهی است و ملت ایران را گرفتار پیامدهای فاجعه‌آمیز آن کرده‌اند که خیانت به ملت ایران بوده است. رییس‌جمهوری بعدی نیز که این قانون ناسازگار با قانون اساسی و دستکاری‌های آن را با پیامدهای فاجعه‌بار آن به اجرا گزارده‌اند در این خیانت شریک بوده‌اند.

مقررات ارزشمند شهرسازی در سال‌های پیش از انقلاب در ادوار گوناگون مجلس‌های شورای ملی و سنا به تصویب رسیدند و کشور ما در زمینه شهرسازی، همسنگ کشورهای اروپایی و امریکا گردید. یک متر تراکم‌فروشی هم از سوی شهرداران پس از تصویب این قوانین انجام نشده بود. در کشورهای پیشرفته نیز این مقررات تقدس دارند و کوچکترین تجاوزی به آن‌ها پذیرفتنی نیست. ولی تجاوزهای گسترده و سازمان‌یافته در چهار دهه گذشته به مقررات شهرسازی در شهرهای کشور ما پیامدهای شومی داشته که یکی از آن‌ها ترافیک‌های خردکننده تن و روان و اتلاف وقت شهروندان در خیابان‌هاست. ولی آقای پزشک‌پس‌جمهور با نادیده گرفتن ریشه‌های آشکار فاجعه ترافیک‌ها در تهران، ری و شمیران و به جای برخورد مؤثر با تجاوز به مقررات شهرسازی از سوی شهرداران، در سخنرانی نیم‌ساعته خود در شبکه ۶ سیما شب‌هنگام پنج‌شنبه ۹ مهر ۱۴۰۵ که هیچ موضوع ارزشمندی در سخنان وی وجود نداشت، راه‌حل شگفت‌انگیزی را برای حل بحران فاجعه‌آمیز ترافیک در این شهرها پیشنهاد کرد که چنین بود:

«مدرسه‌هایی بزرگ با ظرفیت دوهزار دانش‌آموز بسازید و در اطراف آن‌ها هم برج‌های ۲۰ تا ۳۰ طبقه ساخته شود تا معلمان در کنار این مدرسه‌ها زندگی کنند و از ترافیک در این شهرها کاسته شود!»

با چشم‌پوشی از این که ساخت مدرسه‌ای با دو هزار دانش‌آموز، کاری غیرعقلایی است و به دامن‌زدن به ترافیک در رفت‌وآمد خانواده‌های دانش‌آموزان می‌انجامد، ایشان چگونه به خود اجازه داده‌اند که مقررات شهرسازی و طرح جامع این شهرها را که محدودیت ارتفاع ساختمان‌ها را الزامی کرده‌اند پایمال کنند و در شهرهای تهران، ری و شمیران که به گونه افسارگسیخته‌ای گسترش عمودی و افقی یافته‌اند و گرفتار بحران‌های گوناگون هستند، پیشنهاد برج‌سازی‌های بیشتری را بدهند و راه را برای تجاوز بیشتر به مقررات شهرسازی هموار نمایند؟

آقای مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور که برپایه اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسئولیت اجرای آن را برعهده دارد و برپایه اصل ۱۲۱ قانون اساسی سوگند یاد کرده است پاسدار قانون اساسی باشد، تکلیف دارد ادامه اجرای قانون فاجعه‌آمیز شوراهای سال ۱۳۷۵ و تبصره افزوده شده به ماده ۱۲ آن در سال ۱۳۹۲ را که آشکارا ناسازگار با اصل ۱۰۰ قانون اساسی است و امنیت ملی کشور را به خطر انداخته‌اند متوقف سازد. رئیس‌جمهور و وزیر کشور ایشان تکلیف دارند لایحه قانون انتخابات شوراهای که در برگیرنده استانداردهای جهانی انتخابات آزاد و عادلانه باشد به مجلس تقدیم و با تصویب آن، انتخابات شوراهای پیش‌رو را در راستای احترام به حقوق ملت ایران برگزار کنند تا شوراهای نیرومند و مستقلی که در شهرها و بخش‌های شهرها برگزیده می‌شوند، نظم و قانون را در شهرها استوار سازند.

پایان